اختلاف نسخ در عبارت مصباح

> **و النهي عن الصوم في صدر الحديث لا ينافي الأمر به هنا؛ لأنّ المنهيّ عنه هو الصوم قبل العلم بدخول الشهر و المأمور به؛ فلأنّ وجوب إتمام الصوم في آخر شهر رمضان لا يختصّ بما إذا رأى الهلال وسط النهار.**
>
> **و لو قلنا بعدم اعتبار الرؤية قبل الزوال فإنّه يجب على هذا القول إتمام الصوم مطلقا، سواء رئي الهلال نهارا في الوسط أو أحد الطرفين، أو لم ير أصلا، فلا وجه لتخصيص الوجوب بصورة الرؤية في الوسط خاصّة، كما دلّت عليه الرواية[1]**

مورد دیگر این بود که وحید فرمودند از صوم او نهی کرده بودند، الآن چطور دوباره می‌خواهند امر کنند؟ عبارت وحید این بود:

«و النهي عن الصوم في صدر الحديث لا ينافي الأمر به هنا؛ لأنّ المنهيّ عنه هو الصوم قبل العلم بدخول الشهر و المأمور به [بعده]» «بعده» افتاده است. ای عبارت دیگر. **«و المأمور به بعد العلم بدخول الشهر».**

[و اما ثانیاً].

شاگرد: «المنهی عنه هو الصوم قبل العلم بالمأمور به». یعنی عطف به «دخول الشهر» شود.

استاد: اگر «بعده» باشد خوب است. گفتم این برای دو نسخه از کتابخانه مجلس است. در کتابخانه مجلس دو نسخه خطی دارد که هر دو این را ندارند. اما در نسخه‌های دیگر مصابیح به چه صورت است، نمی‌دانم.

[و اما ثانیا] هم افتاده است. فرمودند «ففیه اما اولاً... و اما ثانیاً». همان جوابی است که به شیخ دادند و در اینجا دوباره می‌فرمایند.

«[و اما ثانیا] فلأنّ وجوب إتمام الصوم في آخر شهر رمضان»؛ که استادشان وحید فرمودند **«لا يختصّ بما إذا رأى الهلال وسط النهار»؛** این اشکال را به شیخ هم گرفتند.

«و لو قلنا»؛ این «ولو قلنا» در یک نسخه خطی از کتابخانه مجلس هست، ولی در نسخه اولی نیست. ظاهراً هم واو نمی‌خواهند. کما اینکه در نسخه دوم که واو دارد، در سطر بعد که می‌گویند

«لایبعد ان یقال ان الروایة علی هذا الفرض ایضا»؛ در آن نسخه دارد «لاتدل». درحالی‌که معلوم است «لا» نمی‌خواهد. «لاتدل» درست نیست. در نسخه دوم در این عبارت دو زائد هست. لذا «واو» را نمی‌خواهد.

شاگرد: چطور معنا می‌کنید که واو ضرر می‌زند؟

استاد: یعنی به «ولو قلنا» می‌توان طوری معنا کرد... .

شاگرد: می‌تواند این واو، استیناف‌یه باشد.

استاد: ظاهراً اینکه نقطه گذاشته‌اند و آن را سر سطر برده‌اند به همین خاطر است، ولی به گمانم اگر عبارت را بخوانیم «واو» نمی‌خواهد و «لو» هم دنبال عبارت است، و الا عبارت ان تمام می‌ماند. یعنی جای استیناف نیست. وقتی بخوانید «فلأنّ وجوب إتمام الصوم في آخر شهر رمضان لا يختصّ بما إذا رأى الهلال وسط النهار بعدم اعتبار الرؤية قبل الزوال»؛ عبارت خیلی صاف است. عبارت همین است. در اینجا واو نمی‌خواهد.

«فإنّه»؛ فاء توضیح و تفریع است، نه جواب شرط لو. «فانّه» تعلیل است. «يجب على هذا القول إتمام الصوم مطلقا، سواء رئي الهلال نهارا في الوسط أو أحد الطرفين، أو لم ير أصلا، فلا وجه لتخصيص الوجوب بصورة الرؤية في الوسط خاصّة، كما دلّت عليه الرواية». این هم اشکال دوم بود.

شاگرد: اینکه با واو خواندم، ناظر به این بود که اگر مبنای من را نگیری و مبنای مشهور باشد، «فانه یجب...». پس اختصاص به وسط نهار ندارد. لذا عدل آن «و لایبعد» است.

> 20:26

استاد: ببینید «فلانّ» روی مبنای خودشان درست می‌شود. «فلانّ وجوب اتمام الصوم»... .

شاگرد: خیلی گیری ندارد.

استاد: بله، مهم نیست. چون «فانّه» دارد، زمینه این بوده که واو بیاورد و «فانّه» را خبر لو بگیرد؛ زمینه این معنا هست. ولی عبارت واضح است.

---

[1] رؤیت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۶

بازبینی #1
ایجاد شده 28 آوریل 2026 13:48:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 آوریل 2026 13:50:42 توسط ... .